



یادداشت

انقلاب هم نیاز، هم اجتناب ناپذیر

صادق کار



در ۲۴ آبانماه فراخوان های شبکه های سازمانگر اعتراضات انقلابی بمناسبت سومین سال جنبش خرداد به سه روز اعتصاب و تظاهرات خیابانی پیایی با استقبال گسترده مردم رو به رو شد و در بیش از ۷۰ شهر کشور مردم کسب و کار خود در بازار و خیابان را بستند و در شهر و دیار خود با برگزاری تظاهرات سالگرد جنبش آبان ۹۸ و یاد جانبختگان آن را گرامی داشتند و بر ادامه اعتراضات تا پیروزی جنبش انقلابی تاکید کردند.

کارگران چند کارخانه از جمله ۱۸ هزار کارگر ذوب آهن اصفهان اعتصاب و یا به شکلی به اعتراض برخاستند. کارگران و معلمان و سایر مزد و حقوق بگیران در تظاهرات خیابانی خاصه در مناطق کارگری نیز شرکت فعال نمودند و همراه سایر مردم علیه دیکتاتوری و خامنه‌ای و دیگر سرکردگان جنایتکار رژیم شعار دادند.

گسترده‌گی استقبال از فراخوانها بی سابقه، امید بخش، تحسین انگیز و برای خیلی ها غافلگیرانه بود و حکایت از استواری پایگاه اجتماعی جنبش انقلابی و عمق نارضایتی طبقات مختلف اجتماعی از حکومت و بی نتیجه بودن تلاشهای جنایتکارانه و تبلیغات گوبلزی آنان برای فرو نشاندن انقلاب ریشه دار و مدرن و مترقی را به وضوح عیان نمود.

با وجود به قتل رسانده شدن بیش از ۱۰ نفر دیگر از هم وطنان عزیز طی اعتصابات سراسری ۳ روزه و تلخکامی ناشی از آن، باید گفت برآمد سه روزه یک پیروزی اساسی برای پیشرفت جنبش انقلابی و نقطه عطفی شد در تاریخ مبارزات همه سالهای بعد از انقلاب و ضربه سنگینی است که مردم با حضور حماسی و دلاورانه خود بر پیکر نحیف جنایتکار و مستبد فقاہتی وارد نمودند.

جنبش انقلابی جاری در واقع حاصل یک تجربه تکامل یافته تاریخی و سه جنبش سرکوب شده طی یک دوره ۲۰ ساله است. جنبشهای ۸۸، ۹۶ و ۹۸ و شکست تلاشهایی است که برای اصلاح و سازگار نمودن حکومت با نرم های جوامع امروزی انجام گرفت.



در زمان رخ داد هر سه جنبش رژیم آنها را سرکوب کرد بدون اینکه در صدد رفع سبب و علل آنها برآید. بنا بر این زمینه ساز وقوع هر سه جنبش و جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی به واقع خود رژیم است و نسبت دادن جنبش ها به دولت های بیگانه که رژیم و سایبری های آن کوشش دارند با القاء و مستمسک قرار دادن آن جنایات و بی لیاقتی شان را موجه جلوه دهند، تلاشی عبث جهت وارونه کردن واقعیات مسلم است.

مردم اگر این لاتاثلات رژیم را باور می کردند به رغم تهدیدهای پیاپی سرکردگان جنایتکار رژیم با ابعادی که در اعتصاب سه روزه دیده شد داوطلبانه در آن شرکت نمی کردند

سلطنت طلبها ها هم هنوز با گذشت ۴۴ سال از انقلاب ۵۷ آن را نتیجه و دسیسه قدرتهای حامی رژیم شاه می دانند! طبیعت هواداران نظام های دیکتاتوری این است که مخالفین شان را وابسته به بیگانگان معرفی کنند

عوامل رژیم که نتوانسته بودند مانع از انجام اعتصاب بزرگ و بی مانند ۲۴ تا ۲۸ آبان شوند با کشتن وحشیانه عده بیشتری از مردم تلاش کردند از آنان انتقام بگیرند و در این راه تا توسل به ترور عریان در ایدز و کشتن کودک ده ساله و نسبت دادن ترور به مخالفان رژیم پیش رفتند. تلاشهای نیروهای امنیتی برای نسبت دادن ترور در حالی انجام می گیرد که همه کسانی که در عملیات تروریستی نیروهای امنیتی و آتش به اختیار رژیم کشته شدند از مردم عادی هستند. نسبت دادن ترور به مخالفان اما نه تنها کسی را اغوا نکرده بلکه به خشم و نفرت از رژیم دامن زده است و انگیزه مردم برای به زیر کشیدن رژیم جنایتکار را بیشتر نموده است

ابلهان حاکم که هنوز بعد از وقوع چهار جنبش راه دیگری به غیر از سرکوب بلد نیستند تصور می کنند با تشدید سرکوب و تبلیغات گوبلزی و مبارزه با معلول بجای علت می توانند بر جنبش متکثر انقلابی فائق آیند

آنان گویا از یاد برده اند که کشتار ۱۵۰۰ مبارز طرف دوروز در آبان ۹۸ نه تنها مانع از وقوع جنبش انقلابی کنونی نشد، بلکه سبب ساز جنبشی متکثرتر، رادیکالتر، و توانا تر شد. جنبشی که با گذشت دوماه از آن نتوانسته اند آن را از میدان به در کنند

برآمد پرتوان سه روزه جنبش انقلابی نشان داد که رژیم نه قادر است جنبش انقلابی زن، زندگی آزادی، را که در میان گروه های اجتماعی مختلف ریشه دوانده سرکوب نماید و نه مانع از رشد و گسترش پایگاه اجتماعی آن شود. وقوع انقلاب در کشور ما برای برکنار کردن رژیم از قدرت بواسطه اینکه رژیم سد راه آزادی و دموکراسی و ترقی دموکراتیک کشور شده است یک نیاز اساسی و اجتناب ناپذیر است

ما از جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی حمایت می کنیم!

همه با هم علیه سرکوب جنبش انقلابی سراسری متحدانه مبارزه کنیم!

از اعتصاب معلمان و کارگران و دانشجویان و دانش آموزان حمایت کنیم!

در هر کجا که هستیم از همه امکانات برای بسیج افکار عمومی علیه کشتار و سرکوب معترضان بهره بگیریم!

آیا "تضمین اشتغال" اشتغال را تضمین می کند؟ بخش نوزدهم
"تحلیل انتقادی برنامه های دولت به عنوان "کارفرمای ملجأ نهانی"
هیو استورجس



یک بورس کاریابی در آمریکا

گزاره اصلی این فصل این است که "تضمین اشتغال" با یک "چهارضلعی ناممکن" مواجه است که مانع از برآوردن همزمان معیارها مذکور می شود. در این فصل تنشها و تضادهای بین چهار معیار گفته شده یا "چهارضلعی ناممکن" بررسی خواهند شد. این تنشها را می توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: 1- بسیاری از مشاغل پیشنهادی "تضمین اشتغال" به مهارتهایی نیاز دارند که با حداقل دستمزد متناسب نیستند؛ 2- بسیاری نیازهای اجتماعی در دست انجام اند، بنابراین نباید از طریق مشاغل کوتاه مدت ناشی از سیاستهای ضد چرخه ای* برآورده شوند؛ و 3- منفک نگه داشتن "تضمین اشتغال" و بخش عمومی بس دشوار است.

تضمین اشتغال در عمل: واقعیتهای سیاسی و اداری -4

بسیاری از جنبه های "تضمین اشتغال"* - هزینه آن، تأثیر آن بر اقتصاد و، مرتبط با موضوع این فصل، پایداری سیاسی آن - به نوع کاری که کارگزاران تحت پوشش آن انجام خواهند داد، بستگی دارد. مدافعان "تضمین اشتغال" معیارهای حاکم بر مشاغل تحت پوشش آن را تعیین کرده اند، که عبارت اند از:

1. خروجی این مشاغل باید ناظر بر منافع اجتماعی باشد؛
2. آنها نباید به مهارتهایی جز مهارتهای پائین یا عمومی نیاز داشته باشند، هزینه های سرمایه ای پایینی داشته باشند و با حداقل دستمزد (با توجه به آنچه در فصل 3 در باره دستمزد زیر حداقل گفته شد) متناسب باشند؛
3. باید از بقیه بخش های دولتی متمایز باشند؛



باید از "ظرفیت ذخیره" باشند، یعنی در تحلیل نهایی نباید این که کار مربوطه انجام می شود یا نه، اهمیت چندانی داشته باشد، زیر کارگران باید بتوانند به میل خود بین "تضمین اشتغال" و استخدام در بخش خصوصی جابجا شوند.

انکار نمی توان کرد که یک دولت می تواند به هر کس شغلی پیشنهاد بدهد، و نیز این که در حال حاضر بسیاری کارهای مفید اجتماعی وجود دارند که به انجام نرسیده اند. با این حال، این بدیهی نیست که یک دولت بتواند "این هر دو نشان را با یک تیر بزند". گزاره اصلی این فصل این است که "تضمین اشتغال" با یک "چهارضلعی ناممکن" مواجه است که مانع از برآوردن همزمان معیارها مذکور می شود. در این فصل تنشها و تضادهای بین چهار معیار گفته شده یا "چهارضلعی ناممکن" بررسی خواهند شد. این تنشها را می توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: 1- بسیاری از مشاغل پیشنهادی "تضمین اشتغال" به مهارتهایی نیاز دارند که با حداقل دستمزد متناسب نیستند؛ 2- بسیاری نیازهای اجتماعی در دست انجام اند، بنابراین نباید از طریق مشاغل کوتاه مدت ناشی از سیاستهای ضد چرخه ای* برآورده شوند؛ و 3- منفک نگه داشتن "تضمین اشتغال" و بخش عمومی بس دشوار است. نوع مشاغلی که کارگران تحت پوشش یک برنامه تضمین اشتغال انجام می دهند، فقط یک مسئله اداری نیست، بلکه بر پایداری سیاسی آن برنامه تأثیر می گذارد. حتی اگر نگرانیهای کلان اقتصادی حول "تضمین اشتغال" ناموجه باشند، این برنامه تنها تا زمانی ادامه خواهد داشت که حمایت سیاسی از آن وجود داشته باشد.

چهارضلعی ناممکن: منافع اجتماعی در برابر مهارت پائین

مشاغل تحت پوشش "تضمین اشتغال" مشاغلی با حداقل دستمزد اند - و بنابراین باید با حداقل دستمزد تناسب داشته باشند؛ یعنی باید به مهارتها و تخصص پائین و آموزش کمی نیاز داشته باشند. این دو معیار توأم در بسیاری از مشاغل پیشنهاد شده توسط و رای و دیگران، اگر نگوییم در اکثر آنها، صدق نمی کنند. برای مثال، "همیاری با سالمندان، یتیمان، بیماران بستری، و معلولان ذهنی یا جسمی"، "دستیاران کلاس عمومی" و "دستیاران مراقبتهای روزانه" از آن دسته کارهایی نیستند که بدون آموزش انجام شوند، و معمولاً پیشینه و شخصیت کارگران باید بررسی شوند تا مشخص شود آیا آنها برای کار با افراد آسیب پذیر مناسب اند یا خیر. و رای حتی از این فراتر می رود و بیشترین کارها را در آموزش، بهداشت و زیرساختها [از لیست مشاغل "تضمین اشتغال"] حذف می کند، زیرا آنها بیش از حد به مهارت نیاز دارند. به عبارت دیگر، کارگران تحت پوشش "تضمین اشتغال" در این بخشها می توانند عهده دار مشاغل اداری کم مسئولیت و کمکی را به عهده گیرند. دیگر طرفداران "تضمین اشتغال" مشاغل موجود در پروژه های زیرساختی عمومی بزرگ را از زمره کارهایی برمی شمردند، که می توانند در یک برنامه تضمین اشتغال انجام شوند. فراتر از اشکالات ذکرشده قبلی، کارهای ساختمانی و زیرساختی غالباً در یک محیط کاری بالقوه ناامن انجام می شوند، که می تواند به ویژه برای کارگران آموزش ندیده، و در صورت کیفیت ضعیف کار، برای کاربران آینده خطرآفرین باشد.

لازمه بسیاری از مشاغل پیشنهادی برای "تضمین اشتغال" رسیدگی به طیف گسترده ای از مسائل ایمنی است؛ هم برای کارگران، هم برای عموم و هم برای کاربران آینده. مثلاً، کوک طرح می کند که کارگران "تضمین اشتغال" می توانند به کار نظارت بر مناطق آزاد از الکل گمارده شوند و عهده دار گشتهای مراقبت شوند. دقیقاً مشخص نیست که محتوای این مشاغل چیست، اما برای این که کارگران "تضمین اشتغال" بر امنیت عمومی نظارت به هر شکلی نظارت کنند، نیازمند آموزش برای برخورد با افراد بالقوه پرخاشگر یا نامنظم اند، و با این وجود هنوز خطر (احتمالاً قابل



توجه) آسیب فیزیکی متوجه آنها خواهد بود. قاعده‌تاً این امکان وجود دارد که "تضمین اشتغال" دست کارگران را باز بگذارد که مشاغل خاصی را نپذیرند. اما چنان که ساویر توجه می دهد، این نکته در هیچ برنامه ای تصریح نشده است. این واقعیت که طرفداران "تضمین اشتغال" مشاغلی را، از آن دست که گذشت، پیشنهاد می کنند، نشان می دهد که آنان ابعاد واقعی موانع برای انجام این مشاغل را در نظر نمی گیرند.

در متن حاضر اصطلاح تضمین اشتغال در معنای عام آن منظور است، و "تضمین اشتغال" (در * داخل گیومه) در معنای خاص آن، که در بخش ۱ این مقاله چنین تعریف شده است:

1. تضمین اشتغال "ظرفیت بینهایت منعطفی را برای نیروی کار فراهم می آورد: یک امکان "همگانی برای همه، بدون هیچ آزمونی، یا با این و آن محدودیت زمانی یا محدودیت عددی دستمزد این برنامه برای کارگران، حداقل دستمزد است. از این قرار این برنامه کارگران 2. تحتانی در بازار کار را استخدام می کند. بنابراین با دیگر کارگران در بازار کار به رقابت بر نمی خیزد و فقط کارگرانی را استخدام می کند که در غیر این صورت بیکار خواهند ماند. دستمزدها به نحو "برونزا" تثبیت شده اند، به این معنا که توسط دولت تعیین می شوند و بنابراین افزایش دستمزد به منظور حفظ کارگران رخ نمی دهد.
3. تضمین اشتغال "نوعی اشتغال کامل "سست" است، به این معنا که کارگران آزادند، زمانی " که چشم انداز شغلی بهتری وجود دارد، "به میل خود" از آن بیرون روند و به بازار کار معمولی بپیوندند. بنابراین نیروی کار تحت پوشش این برنامه نسبت به شرایط اقتصاد به طور معکوس تغییر می کند. برنامه "تضمین اشتغال" به طور خودکار تنظیم می شود تا نیروی کار لازم مشاغل معین را فراهم کند؛ بنابراین موجب تقاضای اضافی برای نیروی کار نمی شود کارگران برنامه، کارهای اجتماعی مفیدی را انجام می دهند، اما نه کارهای مرسوم را که 4. مداوماً توسط "خط اصلی" در بخش عمومی انجام می شوند. طرفداران "تضمین اشتغال" طیف تقریباً نامحدودی از فعالیت‌ها را پیشنهاد می کنند که می تواند به کارگران برنامه سپرده شود. از آن جمله اند: مراقبت از کودکان و سالمندان، طرحهای محیط زیستی، فعالیت‌های جمعی و خدمات اجتماعی از طریق بخش غیرانتفاعی. شرط انجام یک پروژه در چارچوب "تضمین اشتغال" این است که پروژه به نحوی دارای یک منفعت اجتماعی باشد 5.

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

نابود باد استبداد و بی عدالتی!

کار، رفاه، آزادی!



جنبش معلمان با بازداشت های دسته جمعی زمینگیر خواهد شد!

صادق



جنبش معلمان به رغم آنکه دهها تن از رهبران و فعالان اصلی آن در زندان هستند از آنجا که یک جنبش اصیل ریشه دار و مردمی و دموکراتیک است توانسته به فعالیت های خود ادامه بدهد و نقش درخور و موثری در جنبش انقلابی ایفا کند. رژیم تلاش دارد با بازداشت های گسترده این نقش را از بین ببرد ولی تا کنون موفق نشده و نخواهد شد زیرا منبع تغذیه جنبش معلمان علاوه بر یک میلیون معلم میلیونها دانش آموز و خانواده های آنان هستند که در میدان مبارزه با رژیم حضور نیرومند دارند.

بنا بر اخبار منتشر شده در کانال تلگرامی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران عبدالرحمان بختیاری، از معلمان بازنشسته، در ۲۶ آبانماه، در جلو درب منزلش در سقز، با شلیک مستقیم نیروهای رژیم جمهوری اسلامی کشته شد و جسم بی جان او در بیمارستان توسط نیروهای سرکوبگر رژیم ربوده شده است.

به نظر می رسد زندانی کردن دهها معلم طی دوماهه اخیر برای نیروهای سرکوبگر کافی نبوده و نتوانسته عطش انتقامجویی آنها از معلمان را فرو نشاند که دست به این جنایت تازه زده اند.

بازداشت و احضار اعضای شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران همچنان ادامه دارد. از گزارشهای منتشر شده در کانال این تشکل مشخص می شود که بازداشت و زندانی کردن معلمان با شروع جنبش انقلابی به طرز چشمگیری افزایش پیدا کرده است. بعد از موج اولیه دستگیری رهبران و اعضای فعال شورای هماهنگی تشکلهای فرهنگیان ایران و پرونده سازی برای بالغ بر ۲۳۰ معلم و فعال صنفی عضو شورای هماهنگی و محکومیت عده دیگری از آنان به زندان و دیگر مجازاتها که تا شروع جنبش



انقلابی ادامه داشته است. با شروع جنبش این بگیر و ببندها به شدت افزایش پیدا کرده و کمتر روزی است که شاهد احضار و بازداشت معلمی نباشیم. دهها معلم طی دو ماه گذشته احضار و بازداشت شده‌اند.

تشدید پیگرد فعالین صنفی معلمان بواسطه نقش بسیار مهمی است که آنان در اعتراضات خیابانی و اعتصابات سراسری ماه‌های قبل از شروع جنبش و هم‌پس از آن داشته و دارند. نقش و تاثیر جنبش معلمان و شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در جنبش انقلابی جاری از نظر مقامات رژیم پنهان نمانده و این تشکل سراسری به رغم هزینه‌های مضاعف دیگری که حمایت همه‌جانبه و فعال آن از جنبش در بر داشته و دارد واقف است. این حمایت‌های به موقع، درست و کارساز در واقع نتیجه تجربیات مبارزات عمده صنفی و به نتیجه نرسیده معلمان است. چرا که همه اعتراضات و اعتصابات معلمان برای کسب مطالبات اقتصادی و اجتماعی شان طی بیش از دو دهه با سرکوب و زندان و اخراج هزاران نفر از معلمان و ممانعت از فعالیت آزادانه تشکلهای صنفی شان رو برو شده است. هم از این رو تغییر رویکرد صنفی به سیاسی و یا تلفیقی از این دو زمانی که مبارزات صنفی بی جواب می ماند و هر اعتراض و اعتصاب صنفی از طرف حکومت با مشت آهنین مواجه می شود درست و منطقی و طبیعی است. این واقعیت در مورد کارگران و مزد و حقوق بگیران و اصولاً سایر اقشار و طبقات اجتماعی نیز صادق است. پایه همه انقلابات در واقع چیزی جز انباشت مطالبات و نیازهای بی پاسخ مانده و خشم‌های سرکوب شده و فرو خفته اکثریت جامعه نیست.

بنا بر این تغییر رویکردها از صنفی به سیاسی اصولاً پس از مدتی اجتناب ناپذیر می نماید. زمانی که یک رژیم نمی خواهد و یا قادر به تامین نیازهای طبیعی شهروندان خود و رعایت حقوق آنها نیست لاجرم یا باید خود قدرت را واگذار کند تا مردم رژیم دیگری را انتخاب کنند یا مردم حق دارند تلاش کنند با انقلاب یا هر وسیله معقول دیگری آن را از قدرت خلع نمایند.

رهبران و اعضای تشکلهای صنفی فرهنگیان همان مواقع هم که اعتراضات شان صنفی بود با مجازاتهای شدید مواجه می شدند و تعداد زیادی از اعضا و رهبران شان قبل از شروع جنبش انقلابی جاری بواسطه فعالیت های سندیکایی حکم های سنگین زندان گرفته و در زندان بودند. با این وصف معلمان هیچگاه از فعالیت های خود دست برنداشتند و در هر شرایطی برای کسب مطالبات خود کوشش و مبارزه کردند. اینک نیز محال است مبارزینی با چنین سوابقی را به سکوت و بی تفاوتی نسبت به جنبشی که خواسته های عموم مردم از آن جمله معلمان و سایر مزد و حقوق بگیران را پیگیری و برایش مبارزه می کند واداشت. جنبش معلمان به رغم آنکه دهها تن از رهبران و فعالان اصلی آن در زندان هستند از آنجا که یک جنبش اصیل ریشه دار و مردمی و دموکراتیک است توانسته به فعالیت های خود ادامه بدهد و نقش درخور و موثری در جنبش انقلابی ایفا کند. رژیم تلاش دارد با بازداشت‌های گسترده این نقش را از بین ببرد ولی تا کنون موفق نشده و نخواهد شد زیرا منبع تغذیه جنبش معلمان علاوه بر یک میلیون معلم میلیونها دانش آموز و خانواده های آنان هستند که در میدان مبارزه با رژیم حضور نیرومند دارند.

**با اعتصاب و اعتراض و پیوستن به جنبش انقلابی و آزادیخواهانه سراسری مردم از .
آن حمایت کنیم!**

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!

**جان زندانیان سیاسی در خطر است، همه با هم متحدانه برای آزادی شان مبارزه
کنیم**



بیگاری، به جای ایجاد کار شایسته!

صادق



ظرفیت اشتغال و نیروی تحصیل کرده و متخصص کار هر دو در کشور وجود دارد و با تغییر سیاستها و مدیریت کارآمد می شود هم بخش اصلی نیازهای مردم به کالا و خدمات را که در حال حاضر از خارج وارد می شوند را تامین کرد و هم بحران فزاینده بیکاری را مهار کرد. اگر مشکل بیکاری دم به دم در حال افزایش است و رکود و بی رونقی تولیدات صنعتی و کشاورزی سالهاست مستولی است و بازار دلالی و قاچاق و واردات سال به سال پر رونق تر شده است، بواسطه وجود رژیم فاسد و ناکارا و سیاستهای بحران زای داخلی و خارجی آن و سلطه حکومت استبدادی است.

بیکاری در کشور به رغم وعده ایجاد یک میلیون شغل سالیانه توسط دولت بر خلاف آمارهای دست کاری شده و سفارشی اداره دولتی آمار به طرز محسوسی روز به روز در حال افزایش است و دولت نه تنها نتوانسته اشتغال قابل توجهی ایجاد کند بلکه بنا به گفته تعدادی از کارشناسان با سیاستهایی که در پیش گرفته قریب یک میلیون شغل ایجاد شده توسط خود مردم در فضای مجازی و غیره را از بین برده است. این در حالی است که برنامه ای برای ایجاد کار شایسته هم ندارد و فعلا مهمترین برنامه وزیر کار دولت رئیسی ایجاد اشتغال ناپایدار و نا شایسته از طریق گسترش کار خانگی است که کمتر کسی را می تواند جذب کند. این وعده نیز بیشتر به نظر می رسد برای کاستن از اعتراضاتی باشد که در این زمینه روز به روز بیشتر می شود تا راه کاری برای ایجاد اشتغال مولد.

به نوشته خبرگزاری ایلنا وزیر جدید کار از تسهیل در صدور مجوز و افزایش بودجه برای بالا بردن اشتغال در کارهای خانگی خبر داده است. ایلنا به نقل از وزیر کار نوشت: "وزیر کار گفت: هدفگذاری ما این است که سهم مشاغل خانگی از اشتغال کشور بالای بیست درصد باشد که متاسفانه این هدف هنوز محقق نشده است. طبق گزارش های ما حدود ۳ تا ۴ درصد از مشاغل کل کشور به مشاغل خانگی اختصاص دارد که "قرار است برنامه ریزی کنیم و به سقف مورد نظر برسیم".

محمود کریمی بیرانوند، معاون اشتغال وزیر کار، نیز گفته است "طی چند دهه اخیر تنها سه درصد از کل اشتغال به مشاغل خانگی مربوط بوده است".



عبدالملکی وزیر معزول پیشین کار نیز ایجاد اشتغال از طریق گسترش کار خانگی را در صدر برنامه اشتغالزایی خود قرار داده بود و بر این نظر بود که با اختصاص یک میلیون تومان و گسترش کار خانگی گویا می تواند بحران گسترده بیکاری را بر طرف نماید. او البته در همان آغاز کار از طرف مخالفین دولت به خاطر اظهارات اش به سخره گرفته شد و پس از مدت کوتاهی در اثر رقابت میان طیفهای محافظه کاران حاکم از . وزارت کنار گذاشته شد

وزیر کار جدید نیز آنطور که از صحبت هایش بر می آید به نظر می رسد قصد تکرار برنامه شکست خورده عبدالملکی را دنبال کند

علت آن هم روشن است، هیچکدام از دو وزیر تا کنونی دولت رئیسی به نظر می رسد نه جدیت بحران بیکاری و عواقب آن برای مردم و کشور را درک کرده اند نه فهم و دانش این کار را دارند. بهمین جهت قادر نیستند برنامه مفیدی برای ایجاد اشتغال ارائه دهند و آنچه که به به نام برنامه ارائه می دهند مانند برنامه های سایر وزرا جز تشدید بحران و اعتراض ثمر دیگری نداشته و ندارد

با این وجود تمرکز روی اشتغال از طریق گسترش کارهای خانگی در راستای بی حقوق سازی نیروی کار و ارزان سازی حداکثر نیروی کار نیز هست، چرا که قبلا نیز سیاست بی حقوق سازی در قالب طرح های همچون "استاد شاگردی" و "کار آموزی"، خارج کردن اکثریت قریب به اتفاق کارگران از شمول قانون کار، رواج کار کودکان، بسط قراردادهای موقت اسارتبار و غیره نیز عمدتا با ابتکار و فشار موتلفه چپ ها و انجمن حجتیه ها و جریاناتی همچون پایداری که هر دو وزیر دولت رئیسی از تبار آنها هستند پیش برده شده است. هم اکنون نیز پس از روی کار آمدن وزیر جدید دوباره تلاش و فشار برای از میان برداشتن قانون نیمه بند و تهی شده از محتوای کار شروع شده است

از اینها که بگذریم، ادعای وزیر کار در مورد ظرفیت ایجاد اشتغال و آمار (۲۰ درصد) ی او از طریق کارهای خانگی بی پایه و اساس است و نه سنخیتی با وضعیت اقتصادی و نیازها و ملزومات بازار کار کشور دارد و نه جذابیت چندانی برای بیکاران. وقتی که به قول معاون وزیر طی چند دهه گذشته سهم اشتغال از کار خانگی ۳ درصد بوده است غیر ممکن است ظرف کمتر از سه سال از باقی مانده مدت دولت رئیسی رقم موجود را به ۲۰ درصد رسانید

ظرفیت اشتغال و نیروی تحصیل کرده و متخصص کار هر دو در کشور وجود دارد و با تغییر سیاستها و مدیریت کارآمد می شود هم بخش اصلی نیازهای مردم به کالا و خدمات را که در حال حاضر از خارج وارد می شوند را تامین کرد و هم بحران فزاینده بیکاری را مهار کرد. اگر مشکل بیکاری دم به دم در حال افزایش است و رکود و بی رونقی تولیدات صنعتی و کشاورزی سالهاست مستولی است و بازار دلالی و قاچاق و واردات سال به سال پر رونق تر شده است، بواسطه وجود رژیم فاسد و ناکارا و سیاستهای بحران زای داخلی و خارجی آن و سلطه حکومت استبدادی است

به نوشته روزنامه تجارت نیوز: "بیش از ۱.۷ میلیون نفر درس خوانده زیر ۴۰ سال بیکار در اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۹ وجود داشته که بالای ۸۰ درصد آنها مجرد و غالبا به عنوان فرزند در کنار خانواده زندگی می کردند." تعداد این گروه از بیکاران طی دوسال گذشته یقینا بیشتر شده است

با کار خانگی نمی شود برای این جمعیت بزرگ بیکار و تحصیل کرده کار شایسته ایجاد کرد و از تخصص آنها برای پیشرفت کشور استفاده کرد

آنچه که هم اکنون بعنوان کار خانگی وجود دارد اگر آنهایی را که به اصطلاح خویش فرما هستند را مستثنی کنیم، کارهای هستند که نیروی کار شان از بیمه و تامین اجتماعی و هیچ مزایای قانونی دیگر برخوردار نیستند و کارمزدی که به آنها پرداخت می شود پائینتر از حداقل دستمزد قانونی است. این نوع اشتغال



برای کارفرمایان که اکثراً بازاری هستند امتیازات و سود بیشتری از اینکه کارگر بگیرند دارد. مبلغ و مروج این نوع اشتغال نهادهای وابسته و مرتبط با بازار امثال بنیاد های خیره هستند که از طریق بنیاد ها نیازمندترین انسانها همچون زنان خود سرپرست بیکار را به بیگاری می کشند و کلی هم سرشان محنت می گزارند

رژیم نه تنها قادر به تامین اشتغال و مهار بحران بیکاری پر مصیبت نشده و نیست، بلکه قریب یک میلیون شغلی را که جوانان خلاق و تحصیلکرده کشور در سالهای اخیر در سایت های اینترنتی ایجاد کرده اند با طرح های ابلهانه غیر کارشناسی شده "صیانت و فیلترینگ" از بین برده اند

در ارتباط با صنعت توریست نیز که صنعتی اشتغال زاست ضربات سنگینی بواسطه فیلترینگ و زندانی و به گروگان گرفتن توریستها بر پیکر این صنعت وارد نموده و ده ها هزار شغل را نابود کرده اند

ضرباتی که بواسطه سیاستهای فاجعه بار زیست محیطی و حذف سوبسید کشاورزی به این بخش تولیدی استراتژیک وارد کرده اند بیش از صنعت است

با این اوصاف دولت به جای دادن وعده های سر خرمن به میلیونها بیکار بهتر است ابتدا عواملی را که موجب قریب یک میلیون بیکار جدید شده است بر طرف کند. ایجاد اشتغال پیشکش اش



دو اعتصاب در شرکتهای پتروشیمی

یک شرکت پتروشیمی دیگر اعتصاب کرد

گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

بنا بر گزارش دریافتی دیگری همکاران شاغل در پتروشیمی مسجدسلیمان نیز از صبح امروز سه شنبه یک آذر در اعتراض به عدم طبقه بندی مشاغل و مشکلات معیشتی اعتصاب کردند



کارگران پالایشگاه یازدهم مجتمع گاز پارس جنوبی دست به اعتصاب زدند
امروز سه‌شنبه اول آذرماه ۱۴۰۱ کارگران شاغل در پالایشگاه یازدهم واقع در فاز ۱۹ مجتمع گاز پارس جنوبی دست به اعتصاب زده و در محوطه شرکت تجمع کردند



کارگران کارخانه بهمن موتور هم اعتصاب کردند
بنابر اخبار منتشر شده امروز سه‌شنبه اول آذرماه ۱۴۰۱، کارگران کارخانه بهمن موتور در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان دست به اعتصاب زده و در محوطه شرکت تجمع برپا کرده‌اند.





قطعنامه اضطراری کنگره کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری در همبستگی با مبارزات مردم ایران و محکومیت کشتار معترضین پس از قتل مهسا امینی.
کنگره کنفدراسیون که با شرکت بیش از ۱۰۰۰ نماینده از ۳۰۰ تشکل از ۱۳۰ کشور جهان، با ۲۰۰ میلیون عضو

اعلام فراخوان اعتصاب سراسری شورای هماهنگی معلمان



۳۰۹۲۹

آبان

کشتن هر نفر یعنی ملحق
شدن هزاران هزار نفر دیگر
به اعتراضات آزادیخواهانه
مردم ایران

کشتار کودکان ما را متوقف کنید!

*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:

sabosob@gmail.com

*"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را

می‌توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>